



گذشته - اصغر فرهادی - ۲۰۱۳

احمد (علی مضا): ماه‌های آخری که من باهاتون زندگی می‌کردمو یادته؟ اون موقع نه سر کار می‌رفتم، نه دوس داشتم هیچ‌کس رو ببینم، فقط نقاشی می‌کردم
نه زندگی نه کار، فقط نقاشی می‌کردم... پس آره، نکو نمی‌شه، آدمی که افسردگی داره براش فرقی نمی‌کنه، حتی اگه بچه کوچیک هم داشته باشه، ممکنه نتواد به زندگیش ادامه بده

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۱ • ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۴ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۳۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۱

اذان صبح فردا ۵:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۵۹

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

یادداشت

سرمایه اجتماعی و مقبولیت سیاسی



کورش الماسی

در ماه‌های اخیر صداها و تحلیل‌های فراوانی به منظور انعکاس و درک شرایط اجتماعی و مقبولیت سیاسی درک، تحلیل و ارزیابی کنیم. درغدغه‌مندان ایران‌زمین ارائه شده است. بیان نظرات از طریق رسانه‌های همگانی گوناگون نوشتاری، مجازی و… فرصتی مناسب (تنها امکان منطقی) برای ارزیابی و قضاوت شرایط اجتماعی و سیاسی جاری است.

اجازه دهید فضای اجتماعی و سیاسی جاری را از منظر رابطه سرمایه اجتماعی و مقبولیت سیاسی درک، تحلیل و ارزیابی کنیم. به بیانی، در جهان خرد و دانش‌بنیاد معاصر برخلاف قرون پیشین که شمشیر سنگ محک مقبولیت سیاسی بود، سرمایه اجتماعی کاربردی‌ترین سنگ محک تلقی می‌شود. به عبارتی سیاست‌ورزان و صاحب‌منصبان، اعتبار سیاسی خود را از شهروندان دریافت می‌کنند. سیاست‌ورزی منهای نظر مساعد آحاد شهروندان، نه متعلق به عصر خرد و انسان‌محور معاصر، بلکه متعلق به قرون پیشین است.

نتیجه اجتناب‌ناپذیر استدلال فوق این است که منای مقبولیت نه قوانین مستقر و جاری، بلکه «نظر مساعد شهروندان نسبت به صاحب‌منصبان است»؛ چراکه به دلایل گوناگون ممکن است قوانین اجتماعی براین‌دی با انعکاس انواع نیازهای انسانی (شهروندان) و تحولات بی‌وقفه و اجتناب‌ناپذیر اجتماعی نباشند.

در جهان خردبنیاد و توسعه‌یافته معاصر «مناصب سیاسی برخلاف قرون پیشین، ملک یا دارایی شخصی و مادام‌العمر تلقی نمی‌شود»؛ بلکه صاحب‌منصبان و سیاست‌ورزان نمایندگان اقرار گوناگون شهروندان هستند. نماینده یا وکیل بودن، به این معنی است که وکیل (صاحب‌منصب) پیگیر منافع، خواسته‌ها، اهداف و… موکلان خود است. در جهان خردبنیاد معاصر که در آن نظم حقوقی (قانون اساسی) نقشه راه یا برنامه تحقق منافع جمعی (ملی) است، تصور اینکه برخی سیاست‌ورزان و صاحب‌منصبان، شهروندان را ابزار تحقق اهداف و منافع یک اقلیت تلقی کنند، غیرقابل درک، پرهزینه و ناپایدار خواهد بود.

صاحب‌منصبانی که وظیفه نمایندگی شهروندان را به‌خوبی انجام می‌دهند، نظر مساعد شهروندان را دریافت می‌کنند و صاحب‌منصبانی که به هر دلیل در انجام وظیفه نمایندگی، ناکام می‌مانند، نظر مساعد و در نتیجه حمایت شهروندان را از دست می‌دهند.

برای درک بحث خاستگاه نمایندگی مناصب سیاسی، طرح و پاسخ به یک پرسش کاربردی است: میبای نظر مساعد شهروندان نسبت به صاحب‌منصبان چیست؟ به‌عبارتی، به چه اساسی شهروندان از صاحب‌منصبان و سیاست‌ورزان خشنود و رضای هستند؟ به شفاف‌ترین و کاربردی‌ترین بیان، ساختار مدیریت کلان سیاسی (صاحب‌منصبان و سیاست‌ورزان) که نیازهای ابتدایی و ضروری برای یک زیست انسانی را برای شهروندان تحت حمایت خود مهیا کند، نظر مساعد شهروندان را دریافت خواهد کرد. به عبارتی، زمانی که شهروندان (انسان‌ها) با صرف یک تعداد ساعت تلاش و کار صادقانه، می‌توانند غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان، برخی آزادی‌های قانونی، عدالت اجتماعی و قضائی و… را برای خود و خانواده تأمین کنند، بی‌شک نظر مساعدی نسبت به نظم مدیریت سیاسی (صاحب‌منصبان و سیاست‌ورزان) خواهند داشت. به عبارتی، رضایت شهروندان از زیست روزمره به معنی نظر مساعد شهروندان نسبت به صاحب‌منصبان است. اینکه «نظر مساعد شهروندان، همان سرمایه اجتماعی برای صاحب‌منصبان تلقی می‌شود».

اگر رابطه کیفیت زیست روزمره، نظر مساعد شهروندان و سرمایه اجتماعی را کاربردی و منطقی تلقی کنیم، آن‌گاه، با وجود شرایط عینی مانند حداقل حقوق شش‌میلیونی و هزینه‌های ۲۰میلیونی، عدم فرصت زیست معمولی برای بخش درخورتوجهی از جوانان، فقدان فرصت اشتغال برای میلیون‌ها شهروند جوانی کار، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از کمبودهای مالی، آموزشی و پدیده‌های دلخراش و بی‌سابقه مانند کولبری، سوخت‌بری، کودکان کار و… پاسخ پرسش‌هایی مانند «آیا تداوم و حفظ مناصب سیاسی بدون سرمایه اجتماعی ممکن است؟» به عبارتی آیا خطاست اگر گفته شود سرمایه اجتماعی بنیاد مقبولیت سیاسی است؟ یا آیا مناصب سیاسی منهای سرمایه اجتماعی می‌تواند اخلاقی، کاربردی، پایدار، مجاز یا قانونی (قانون به‌عنوان تیلور خرد و اراده جمعی) باشد؟» چیست؟



معین شرقی مشاور حقوقی

بی‌مقدمه آغاز می‌کنم. از شنیدن اخبار بازداشت و دستگیری خبرنگاران و اصحاب رسانه ناراحت و متأثریم. رسانه‌های فعال داخلی و اصحاب آن نیازمند حمایت همه‌جانبه به‌ویژه حمایت حقوقی‌اند. کشور در فضای خاصی قرار دارد که نیازمند مدیریت بحران است. رسانه‌های بیگانه و معلوم‌الحال مستمرا در تلاش برای گسترش التهاب فضا هستند، از طرفی عملکردها در این سال‌ها باعث شده است که مردم در مواردی به سمت رسانه‌های خارجی گرایش پیدا کنند. این وضعیت معلول نبود مدیریت صحیح در حوزه رسانه است. آیا تا به حال آسیب‌شناسی دقیقی صورت گرفته است؟ علت گرایش به رسانه‌های بیگانه چیست؟ واضح است که بخشی از آن به دلیل محدودیت‌های داخلی است. بی‌پسوا و واقع‌گرایانه می‌گویم در موارد زیادی نیازهای خبری و رسانه‌ای مردم در رسانه‌های داخلی مرتفع نمی‌شود. علت این است که رسانه‌های داخلی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند، از خبرنگاران و اصحاب رسانه و کشتگران مدنی تا مدیران مسئول رسانه‌ها که از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند. مدیریت حرفه‌ای در نظام حکمرانی در گرو نقد عمومی اقشار صاحب قلم و منتقد و دلسوز است که با وجود همه مشقت‌ها و مسائل معیشتی به این خاک پایبند بوده و در راستای رسالت خود قلم می‌زنند. محدودیت‌های خبرنگاران

زنان

اعتصاب زنان در زمستان سرد

خبرگزاری بی‌بی‌سی در گفت‌وگو با چند فعال کارگری از اعتصابات زنان شاغل در عرصه صنعت و تولید در آستانه زمستان خبر می‌دهد.

فرانسیس اوگریدی، دبیر کل TUC گفت: «موج اعتصابات زمستانی از سوی نسلی از زنان که می‌گویند دیگر بس است، افزایش خواهد یافت، چراکه مشاغل مهم آنها نادیده گرفته می‌شود».

اوگریدی یک دهه به‌عنوان اولین چهره زن این اتحادیه فعالیت می‌کرد که چند روز پیش ناچار به کناره‌گیری شد. او گفت که هزاران زن فعال در خط مقدم همه‌گیری اکنون به وزیران هشدار می‌دهند که ما را دست‌کم نگیرید. میک لینچ، دیگر رئیس اتحادیه، در ماه‌های اخیر به‌عنوان یک چهره شناخته‌شده در عرصه اقدامات صنعتی شناخته شده است. او از کسانی بود که اعتصابات در راه‌آهن را برنامه‌ریزی کرد. اکنون ناآرامی‌ها در بسیاری از بخش‌های دولتی گسترش یافته است؛ جاهایی که حداقل یک دهه بسیاری از کارکنان با کاهش دستمزد مواجه بوده‌اند.

اوگریدی می‌گوید: «همان‌طورکه می‌دانیم، برخی از برگه‌هایی که به صندوق ریخته شده، برای پیشرفت و بهبود وضعیت در آموزش، بهداشت و خدمات ملکی بوده است. در همین شغل‌ها زنان در خط مقدم هستند و خواستار بهترین اوضاع هستند». این فعال کارگری به حضور دبیران کل زن در رأس چندین اتحادیه اشاره می‌کند که برخی از آنان اعتصابات را آغاز کرده‌اند.

اوگریدی دولت ریشی سوناک را متهم کرده است که «به زنان که در محل کارشان با عشق کار می‌کنند، توجه زیادی نمی‌شود. هر کارمند سازمان بهداشت را که ملاقات می‌کنم، از پرستار تا نظافتچی و پزشک، برخورد حرفه‌ای دارند؛ ما زنان نمی‌توانند در این شرایط بی‌توجهی زندگی کنند. ما زنان قبض‌هایی برای پرداخت داریم. ما زنان بچه‌هایی داریم که باید بزرگ کنیم. ما زنان باید برای کاری که انجام می‌دهیم، پاداش عادلانه دریافت کنیم».

زنان تقریباً ۹۰ درصد پرستاران و ماما‌های ثبت‌نام‌شده و سه‌چهارم معلمان را تشکیل می‌دهند. ۶۰ درصد از اعضای اتحادیه خدمات عمومی و بازرگانی که اعتصاب کرده‌اند، زنان هستند.

اوگریدی در آکسفورد، در خانواده‌ای که اکثر اعضای آن در اتحادیه‌های کارگری عضو بوده‌اند، بزرگ شده است. پدرش مایشر و برادرش معدنچی بود که در اعتصاب ۱۹۸۴-۱۹۸۵ حضور داشته است. او با یادآوری آن روزها، گفت که در فکر این بوده است که چگونه به بهترین نحو اطمینان داده شود که زنان از سوی سندیکاها حمایت مورد نیاز را دریافت می‌کنند. او گفت: «من فکر می‌کنم که بیشتر حمایت‌ها به طور تاریخی از مردان می‌شود. در طول اعتصاب معدنچیان، زنان حامیان واقعا بسیار مهمی برای همبستگی عملی و حفظ روحیه بوده‌اند. متحیرم که چه زمانی می‌توانیم حمایت و همبستگی مردان را از کارهای سازمان‌دهی‌شده زنان ببینیم. با افزایش آخرین موج اعتصابات، فرصتی برای مردان و همچنین زنان پیش آمده است تا همبستگی خود را با این کارگران نشان دهند».

بیش از یک میلیون کارگر فضاهای صنعتی و پرستاران و معلمان در هفته‌های آینده اعتصاب خواهند کرد. وزیران، از جمله وزیر حمل‌ونقل مانند «مارک هاریو»، تأکید کرده‌اند که افزایش دستمزد مطابق با تورم در بخش دولتی «غیرقابل قبول» است. به دلیل واضح و روشن «نداشتن بودجه»، اما کارگران مخالفانند و معتقدند این یک دلیل واهی است. یکی از فعالان کارگری به بی‌بی‌سی گفته است: «وقتی می‌بینید چه اتفاقی برای سوده‌های سهام، برای دستمزد بالا و… می‌افتد، آشکارا درمی‌یابید که این دلیل مزخرف است. سؤال این است که چرا راه‌حل‌هایی مثل افزایش مالیات بر شرکت‌های ثروتمند و بزرگ را انتخاب نمی‌کنند؟»

همچنین اوگریدی خشمگینانه به بی‌بی‌سی گفت: «مردم در لبه پرتگاه هستند. بگذارید یک مثال کوچک و روزمره بزنم: کارگرانی که دستمزدهای کم دریافت می‌کنند، فرزندان خود را با کفش‌های سوراخ به مدرسه می‌فرستد؛ آن‌هم افرادی که ساعت‌های طولانی کار می‌کنند».

حزب کارگر انگلیس توافق‌نامه‌های «پرداشته‌مفانه» را پیشنهاد داده است که شامل بخش‌هایی از جمله مراقبت‌های اجتماعی و حقوق از روز اول کار است.



● مراسم سراسری جشن ازدواج ۲۵۴ سرباز وظیفه به منظور اشاعه فرهنگ مقدس ازدواج در مجموعه فرهنگی میثاق برگزار شد. عکس: الهام رضایی، باشگاه خبرنگاران جوان

حمایت حقوقی از اصحاب رسانه

و اصحاب رسانه چالشی جدی است که آنها را از رسیدن به هدف و غایت رسانه‌ای دور می‌کند.

اخبار دستگیری خبرنگاران براین‌د دلسردکننده‌ای دارد. متأسفانه در قوانین موضوعه کشور، جایی برای حمایت حقوقی و قضائی از خبرنگاران در نظر گرفته نشده است. کشتگر مدنی حوزه شفافیت ازجمله خبرنگار یا هر کشتگر دیگری که یک خطا یا فساد عمومی را افشا می‌کند، باید زیر چتر قانون و حمایت‌های قانونی، اقدامات تأمینی و حمایتی بر او مترتب باشد. این اقدامات تأمینی و حمایتی گاه حتی مستوجب تشویق هم هست. نظام حقوقی ما در زمینه حمایت از اصحاب رسانه دچار کاستی‌هایی است. درحال حاضر امنیت لازم برای خبرنگاران وجود ندارد و باید قانون به سمت توسعه و اصلاح برود. اصلاح و توسعه نظام حقوقی در عرصه شفافیت مرادف با حمایت از رسانه‌ها و اصحاب رسانه است. خبرنگاری در ایران با مشکلات فراوان قانونی مواجه است و خبرنگاران در گزارش‌های خود باید موارد زیادی را رعایت کنند تا بسا دادگاه و احکام قضائی روبرو نشوند. این در حالی است که اصول و رسالت پایه‌ی و اساسی اصحاب رسانه و خبر، گزارش مستقل و بدون واهمه از عواقب آن است. در نظم حقوقی کنونی تنها قانون حمایتی قانون جرم سیاسی است که اجرای آن نیز با چالش‌های زیادی مواجه است.

براساس این قانون در مواردی که شخصی مرتکب برخی جرائم شود و احراز شود که هدف شخص اصلاح امور کشور بوده است، به اتهام او بنا به ماده ۴ قانون جرم سیاسی با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود؛ اما چالش اصلی آن است که معیار صحیحی برای تشخیص قصد مرتکب وجود

ندارد و احراز شرایط جرم سیاسی به صورت عام به مقامات قضائی واگذار شده است که زمینه‌ساز برخورد سلیقه‌ای و نبود رویه قانونی واحدی را ایجاد می‌کند.

درحال حاضر مقررات عمومی موجود برای رسانه‌ها باعث برداشت‌های سلیقه‌ای می‌شود، به نوعی که درباره هر فرد یا هر برهه‌ای از زمان یا براساس وضعیت کشور می‌توان آنها را تفسیر کرد که این موضوع توالی فاسد متعددی دارد. این موارد در نظام قانونی و حقوقی ما باید اصلاح شود و چارچوب معینی برای دامنه فعالیت مشخص شود، به نوعی که خبرنگاران با حس امنیت بتوانند در راستای قانون خدمات ارائه کنند.

مطلبی که مدت‌ها مورد استفاده دولتمردان قرار گرفته است، شانتاژ فضای کشور از طرف رسانه‌ها و خبرنگاران بیگانه است؛ اما باید پرسسیم که تا چه میزان از خبرنگاران داخلی و رسانه‌های داخلی حمایت شده است؟ اساسا علت گرایش مردم به رسانه‌های غربی چیست؟ این حجم موارد زیادی را رعایت کنند تا بسا دادگاه و احکام قضائی روبرو نشوند.

با این تفاسیر مطلب حائز اهمیتی که وجود دارد، آن است که سیاست‌های کشور باید به سمت آزادی بیشتر رسانه‌ها و حرفه‌ای‌ترکردن زمینه رسانه باشد؛ به نوعی که مردم کشور برای رصد اخبار و مطالعه تحلیل‌ها و مرتفع‌شدن نیازهای رسانه‌ای خود به صورت کامل به رسانه‌های داخلی رجوع کنند. فضای فعلی می‌تلبد که در راستای مبارزه عملی با همچنین برای تشویق افزایش همسان‌سازی افراد دارای معلولیت در ترویج و نفوذ رسانه‌های بیگانه به صورت عملی و تمام‌قد از خبرنگاران داخلی حمایتی شود و از بازداشت‌های غیرضروری ممانعت شود.

روزها

تجربه کم‌توانی ۱۵ درصد مردم

ایسنا؛ هرساله در تاریخ سوم دسامبر «روز جهانی معلولان» گرامی داشته می‌شود و این مناسبت بین‌المللی اخیرا با عنوان «روز جهانی کم‌توانان» نیز معرفی شده است.

این روز جهانی برای برجسته‌کردن مشکلاتی که افراد دارای معلولیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به منظور حمایت از رفاه و حقوق اساسی آنها گرامی داشته می‌شود. انتخاب این مناسبت همچنین برای تشویق افزایش همسان‌سازی افراد دارای معلولیت در جنبه‌های اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زندگی است.

شعار امسال (۲۰۲۲) این روز جهانی نیز «راه‌حل‌های تحول‌آفرین برای توسعه فراگیر: نقش نوآوری در ایجاد جهانی در دسترس و برابر» تعیین شده است. روز جهانی کم‌توانان در سال جاری بر نیاز به راه‌حل‌های نوآورانه برای کمک به ایجاد یک مدل توسعه فراگیر به منظور کمک به افراد دارای معلولیت تمرکز کرده است.
بنا بر تازه‌ترین آمار، ۱۵ درصد از جمعیت جهان یا بیش از یک میلیارد نفر، نوعی از معلولیت را تجربه می‌کنند و شیوع ناتوانی در کشورهای در حال توسعه نیز بیشتر است.

همچنین از آنجایی که کووید ۱۹ همچنان تأثیرات گسترده‌ای در سراسر جهان دارد، مهم است که توجه داشته باشیم که چگونه افراد دارای معلولیت تحت تأثیر این بیماری همه‌گیر هستند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ چهار اکتبر سال ۱۹۹۲ میلادی روز سوم دسامبر را به عنوان روز جهانی افراد دارای معلولیت تعیین کرد. به گزارش سازمان جهانی بهداشت، معلولیت مفهومی پیچیده و چندوجهی است. معنای آن در کشورهای مختلف در امتداد ساختارهای سیاسی و اجتماعی متعدد، متفاوت است. شناسایی ناتوانی‌هایی مانند چالش‌های فیزیکی و… از آسان است اما شناسایی ناتوانی‌هایی مانند بیماری روانی، ناتوانی‌های یادگیری خاص، اختلالات شنوایی یا اوتیسم بدون آموزش مناسب نسبتا دشوار و پیچیده است. از این رو، ناتوانی در جایی پیچیده‌تر است که افراد علائم ظاهری آن را نداشته باشند. ناتوانی، به عبارت ساده، یک وضعیت جسمی، روانی یا هر دو است که حرکت، فعالیت یا حس ادراک افراد را محدود می‌کند.

در این روز جهانی به ارتقای حقوق و رفاه افراد دارای معلولیت در هر سطح از جامعه و توسعه و افزایش آگاهی از وضعیت افراد دارای معلولیت در همه ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها پرداخته می‌شود.

سازمان جهانی بهداشت به این تلاش می‌پیوندد تا اهمیت تأمین حقوق افراد دارای معلولیت را تقویت کند. معلولان باید در همه جنبه‌های زندگی خود با هیچ مانعی روبرو نشوند.

تماشاگر

کوه‌نشینی و چله سماع



رضا صدیق

عروج بابا صدایش می‌کردند، با یک زن فرانسوی ازدواج کرده بود و چهره تصوف در اروپا شناخته می‌شد. اولین بار اسمش را در قونیه و از سرچان شنیدیم. بعد از همان شبی که در سنترال‌پارک قونیه و در هفته موسیقی آیینی تولد ملای روم با بچه‌ها آشنا شده بودم، درباره مراسم‌های عروج بابا زیاد شنیده بودم.

هر سال به تعداد روزهای بست‌نشینی ملای روم، مراسم شبانه‌روزی سماع برگزار می‌کرد.

شکل مراسم عجیب بود و از آنجا که شنیدن کی بُود مانند دیدن با بچه‌ها قرار گذاشتیم تا آن سال به چله‌اش برویم. دو ماهی تا برگزاری مانده بود و برای همین به استانبول رفتیم تا در خیابان استقلال کمی پول دربیاورند دوستانم. هرکدام سازی می‌زدند و برنامه این بود که کنار خیابان ساز بزنند و از رهگذران استقلال درآمدی کسب کنند.

این برنامه همه وقت‌هایی بود که پیول کم می‌آوردیم. اولین بار که تجربه‌اش کردم در همان قونیه و در بازار شهر بود. فُواد و عنجه همسرش، سرچان و مصطفی و من. البته نقش من بیشتر حضور پشت صحنه بود؛ چون برابیم حضور در چنین موقعیتی سخت بود؛ اما به‌مرور این سختی شکل عوض کرد و اواخر، کنارشان می‌نشستم و من هم با تخم‌مرغی شنی که ریتم را نگه می‌داشت، نقشی ایفا می‌کردم در کسرت بیابانی. نگاه توریست‌ها و عابربان و تجربه مواجهه با باده‌نوازی‌های بچه‌ها و خاطراتش بخشی از آن ایام بود.

دو ماه را در قونیه و استانبول سر کردیم و وقت مراسم عروج بابا نزدیک بود. از استانبول سوار کشتی شدیم و به جنوب استانبول یعنی شهر یلوا رفتیم. از یلوا واتنی پیدا کردیم و به سمت روستایی به اسم گوکچه‌دره راهی شدیم. البته هیچ‌هیکر کردن همیشه روش فُواد بود و استاد این کار او بود. ماشین‌های رهگذر را نگه می‌داشت و ما هم سوار می‌شدیم. از روستای گوکچه‌دره به دل کوه زدیم و بعد از نزدیک به ۲۰ دقیقه پیاده‌روی، به خانه‌ای دوطبقه و بزرگ در بالای تپه‌ای مشرف به کوهستان و روستا رسیدیم. دور تا دور خانه پر بود از چادرهایی که حاضران در مراسم سلساط کرده بودند. هنوز شروع نشده بود و فردا روز افتتاحیه بود. طبقه اول محل خواب و پهن‌کردن سفره غذا بود و طبقه بدم، با دیواره بزرگ و چوبی سنی برپا شده بود که محل سماع بود. برنامه چنین بود که حاضران باید ۱۰ شبانه‌روز بدون توقف در برنامه موسیقی می‌زدند و سماع می‌کردند. نوبت به نوبت بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و بر حسب حال آدم‌هایی که آنجا بودند، هرکدام یک وقت از شبانه‌روز ساز می‌زد و یک‌سری هم بر همین اساس سماع می‌کردند. هرازگاهی هم عروج بابا و همسرش می‌آمدند و به ترکی منبری اخلاقی می‌رفت و آدابی می‌گفت.

۱۰ شبانه‌روز را آنجا زندگی کردم. از تمام ملت‌های دنیا جمع بودند. بسیاری از دوستانی که بعدها در اروپا با آنها مرآوده پیدا کردم، در همان‌جا پیدا کردم. چند ایرانی هم در آن میان بودند که جز مرآودات از سر حضور در جمع هیچ‌گاه دوستی‌ای میان‌مان شکل نگرفت. قصه مواجهه‌ام با هم‌میهنان در کشورهای مختلف قصه‌های طولانی است و خود مجالی دیگر می‌طلبد. آنچه در مراسم عروج بابا برابیم جالب بود، شکل و فرم اجرای این مراسم بود. من را یاد شکل زندگی جمعی مذهبی در ایران می‌آنداخت. نوع سفره‌انداختن و غذای واحد و دور هم نشستن و در کنار همدیگر خوابیدن و زندگی کوتاه تعداد زیادی غریبه در یک مکان واحد. یادم نمی‌آید جدل یا بمگوئویی در آنجا رخ داده باشد. فضا خالی از دعوا بود و همه را جو محیط و مراسم گرفته بود.

مراسم که تمام شد، راهی استانبول شدیم. بعدها که در برلین ساکن بودم، روی دیوار یکی از کافه‌ها نام عروج بابا را دیدم و بعد از پرس‌وجو متوجه شدم که گویا تمثالی از سفیر تصوف ترکیه در اروپاست. به این سو و آن سو می‌رفت و مراسم سماع می‌گرفت. شاید برای همین شکل توریستی کوتاه خوردش با سماع. آن موقع‌ها علاقه‌ای به او نداشتم؛ اما خب، سر سفره‌اش نشسته بودم و مدتی میهمانش بودم. شرط اخلاق است که نمکدان نشکنم.

این آخرین باری بود که در یک مراسم سماع و ششکلی از این برنامه‌ها حضور پیدا کردم. بیشتر از خود مراسم، آن حال‌وهوای روستای «گوکچه‌دره» و آن زندگی کوتاه در بالای کوه برابیم پررنگ مانده و آن حالی که بعد، از بالای کوه راهی شهر شدم، مثل از غار برگشته‌ای که شهر در انفضال کوتاه‌اما عمیق از آن، توی صورتش می‌خورد.

البته زیاد استانبول نماندم و همراه سردار به خانه روستایی‌شان در آنتالیا رفتم. سردار از علویون ترکیه بود و چترتاز، دوستی‌که در آن روزهای مرضی کوتاهم در سفر، مانند برادر تیمارداری‌ام کرد. وقتی از بیشش رفتم، به همدیگر گوله‌گوله و به امید دیدار گفتیم؛ اما دیگر هیچ بار پس از آن، او را ندیدم.